

اگر در آن چه گذشت، حداقل اطلاعات عمومی جالبی فراهم است، در این
دومی اما دریغ از یک حرف حسابی!

تاریخچه‌ی شنیدنی مستشاران خارجی در ایران^(۱)

به قلم: باقر عاقلی - تهران اکونومیست

اولین هیأت مستشاری در چه تاریخی به ایران آمدند؟
دختر یکی از مستشاران خارجی را مخالفین دزدیده و به خارج از تهران بردند

موضوع مستشاران خارجی مسأله‌ای است که از دیر زمان نظر شرقیان عموماً و
ایرانیان خصوصاً را به خود معطوف داشته بود و از چند قرن پیش اولیای امور کشور و
مصادر مملکت در صدد بوده‌اند که با دعوت مستشاران خارجی به ایران اصلاحاتی در
کلیه شؤون کشور خود بنمایند.

ورود خارجیان به این کشور از زمان صفویه شروع می‌گردد و در دوره‌های بعد این
فکر تقویت یافته و دولت‌ها همواره برای سر و صورت دادن به کارها و ایجاد بنیان و
شالوده صحیح از مستشاران خارجی استمداد طلبیده‌اند.

اولین هیأت مستشاری که به ایران وارد گردید در زمان شاه طهماسب اول می‌باشد
که دو برادر به نام رابرت و آنتونی شرلی بنا به دعوت شاه ایران به قزوین پایتخت آن روز
ایران دوره صفوی قدم نهادند.

این دو برادر از اهالی پرتقال بودند و در فنون نظام و قشون اطلاعاتی عمیق و تجربیاتی کافی داشتند.

برادران شرلی پس از فوت شاه طهماسب و هنگام پادشاهی شاه عباس کبیر در تنظیم لشکریان و تعلیمات سربازان و جانبازان و تعلیم به افراد زحمات زیادی متحمل گردیدند و راهنمایی‌های آنان در وضع قشون تأثیر بسزایی داشت.

بعد از صفویه یعنی در زمان عباس میرزای نایب السلطنه روابط حسنه‌ای که بین ناپلئون بناپارت و فتحعلی شاه وجود داشت و از طرفی طبق قراردادی که فیما بین دولتین منعقد گردیده بود برای اصلاح و تنظیم ارتش ایران هیأتی از افسران فرانسه به سرپرستی ژنرال گاردان به ایران وارد شده و یک سره به تیریز رفتند و با همکاری عباس میرزا و سایر سرداران ایران شروع به اقدام نمودند که متأسفانه باید اذعان نمود از ورود آنان نتیجه‌ای عاید نشد و آن همکاری و صمیمیتی که انتظار می‌رفت به وجود نیامده و پس از چندی راه کشور خود را پیش گرفته به وطن خود بازگشتند.

اما موضوع استخدام مستشاران خارجی از زمان ناصرالدین شاه قاجار جدی تلقی گردید و شاه در اثر مسافرت‌های خود به فرنگ برای اصلاحات به استخدام خارجیان همت گمارد.

مستشارانی که در زمان شاه مزبور به ایران آمدند بسیار بودند که مهم‌تر از همه کنت معروف است که برای شهربانی استخدام شد.

کنت که امروز چهار راهی در خیابان لاله زار نو به نام اوست برای نظمیه آن روز اقدامات دامنه داری شروع کرد و شالوده‌های با اسلوب خارجی در ایران بنا نهاد.

اما ورود و اصلاحات او با سر و صدای زیادی توأم گردید و بعضی از طبقات بنای مخالفت با او را گذاردند حتی شبانه دختر او را دزدیده و از شهر بیرون بردند و اشعاری در این زمینه سروده شد که زبان زد خاص و عام بود و بچه‌ها آن را در کوچه می‌خواندند، به هر ترتیبی که بود کنت از ایران رفت.

بعد از مشروطیت مجدداً موضوع استخدام مستشار خارجی در ایران پیش آمده و

عده زیادی برای این کار دعوت شدند.

در قشون افسران روسی و انگلیسی آمدند با توافق روس و انگلیس برای اصلاح امور گمرکات از بلژیک چند نفر استخدام شدند که مهم‌تر از همه مسیو نوژ بلژیکی است.

این شخص به جای این که به وظیفه اصلی خود بپردازد با سیاست خارجی همکاری می‌نمود و تقریباً دست نشانده روس‌ها به حساب می‌آمد در دوره دوم مجلس چون وضع مالی ایران سخت دچار اختلال گردیده بود و بدهی ایران در اثر وام‌های متوالی از دولتین روس و انگلیس وضع بودجه را دچار کسر شدید کرد برای سر و سامان دادن به وضع مالیه ایران برای اولین بار مستر شوستر آمریکایی دعوت و به ایران وارد شد و در همین اوان نیز مستشاران سوئدی برای اصلاح امور انتظامی استخدام و مشغول خدمت شدند.



میسو نوژ بلژیکی

مسئله‌ی مالیه ایران در آن تاریخ کما فی السابق بع اعلی درجه سخت بود. خزانه به کلی خالی و تصور این که پولی بدست آید به هیچ وجه نمی‌رفت کارمندان و اعضاء دولت ماه‌ها بود که حقوق نگرفته بودند و بیم آن می‌رفت که اگر پول به آنها نرسد از حضور در خدمت خودداری نمایند.

ضمناً لازم است به عرض خوانندگان ارجمند برسد که ابتدا دولت در صدد بود از فرانسه و ایتالیا مستشار مالی و قره سورانی استخدام کند ولی بعداً مستشار مالی را از آمریکا و صاحب منصبان ژاندارمری را از سوئد استخدام نمودند.

مستشاران مالی به ریاست مستر مورگان شوستر وارد شدند و با اختیارات کلی داخلی کارگشتند.

اصلاحات اساسی مالی شروع گردید انتظار و امید می‌رفت که امور مالی ایران سر و صورت حسابی بگیرد و حقیقتاً نزدیک بود که اصلاحات مالی مستشاران آمریکایی احتیاجات مالی ایران را رفع نماید و دستگاه مالیه ایران منظم گردد که به تحریک خارجیان اقدامات او عقیم ماند و با اولتیماتوم روس‌ها ناگزیر خدمت ایران را ترک گفتند.

ایرانیان و وطن پرستان به شوستر اعتقاد زیادی داشتند و الحق او هم با منتهای جدیت و صمیمیت خدمت خود را انجام داد ولیکن متأسفانه با اولتیماتوم سه ماده‌ای روس‌ها از کار برکنار و راه کشور خود را پیش گرفت و ایرانیان را بیش از پیش متأثر نمود. شوستر پس از مراجعت آمریکا کتابی تحت عنوان «اختناق ایران» به رشته تحریر در آورده است و پرده از روی بعضی از اسرار سیاسی آن روز ایران بر می‌دارد. خوشبختانه مورگان شوستر هم اکنون حیات دارد و در سنین کهولت می‌باشد و از قرار در نیویورک زندگی می‌کند «شرح خدمات شوستر در کتاب تاریخ اقتصادی ایران که به وسیله نگارنده در دست تهیه است مشروحاً ذکر خواهد گردید».

در بالا گفتم که هم‌زمان با ورود شوستر عده‌ای مستشار سوئدی نیز برای ژاندارمری استخدام و مشغول خدمت گردیدند در زمان احمد شاه قاجار مجدداً اصلاح نظمیه و

ایجاد امنیت داخلی مورد توجه قرار گرفت و باز هم سوئد مورد نظر بود و عده‌ای از افسران و پاسبانان آن کشور برای خدمت استخدام گردیدند.

ریاست این هیأت مستشاری با شخصی بود به نام وستداهل که به نوشته جناب آقای مورخ الدوله سپهر در کتاب ایران در جنگ بزرگ نام‌برده کفیل یکی از کلانتری‌های استکهلم بود و سایر مستشاران نیز درجه تابینی و وکیلی داشتند به هر جهت هیأت مستشاری مزبور تا سال ۱۳۰۳ در ایران به خدمت مشغول بودند و نسبت به اصلاح وضع داخلی شهر اقدامات دامنه داری کردند که پس از کودتای ۱۲۹۹ و بوجود آمدن ارتش نوین و مقتدر شاهنشاهی عذر آنها را خواسته و مشاغل شهرداری به افسران لایق ایران سپرده گردید پس از کودتای ۱۲۹۹ و شروع اصلاحات مجدداً توجه ایرانیان معطوف به آمریکایی‌ها شد و در حکومت مرحوم قوام السلطنه در آغاز دوره چهارم مجلس شورای ملی دکتر میلیسپو و عده‌ای از آمریکائیان به عنوان مستشار مالی استخدام گردیدند.

در دسامبر ۱۹۲۲ دکتر میلیسپو ریاست کل مالیه ایران را به دست گرفت و عده‌ای از همکاران خود شروع به فعالیت کردند که تا سال ۱۳۰۷ در شغل مزبور باقی ماند و در سال مزبور اختیارات مشارالیه به نخست وزیر وقت مرحوم مخبرالسلطنه تفویض گردید.

از مستشاران خارجی دیگری که ذکر نام آنها در این مختصر لازم است یادآوری شود یکی سپهد ژاندر فرانسوی و دیگری ژنرال شوارتسکف آمریکایی است که اولی در ارتش در زمان شاه فقید در دانشگاه جنگ خدماتی نمود و دومی مستشار ژاندارمری بود که چند سالی در ایران خدمت کرد.

بعد از شهریور ۲۰ باز موضوع مستشار مالی از آمریکا قوت گرفت و مجدداً در کابینه قوام السلطنه نسبت به استخدام دکتر میلیسپو و یارانش اقدام و چند سالی نیز خدمت کردند که چون از تاریخ عزیمت آنان زیاد نمی‌گذرد خوانندگان عزیز به خوبی درباره آنها و صحت یا سقم کارهای شان قضاوت می‌نمایند.

پی افزودی بر داستان شوستر!

به هر روی آن چه تاکنون گذشت، تاریخ پژوهانی را که به سلطه‌گری زورمداران - بر مظلومان جهان - هنوز هم نیم‌نگاهی دارند، به کار می‌آید. بی‌تردید اگر به بازخوانی تاریخ این سرزمین روزی اهمی بایسته کنیم، هم نکته‌های نانوشته را در لا به لای سطرهای نوشته می‌یابیم؛ هم نوشته‌های مکرر و بی‌فایده‌ای را خواهیم یافت که در این آشفته بازار به خورد مردم داده‌اند و می‌دهند!

در میان اسنادی که در مراجعه به بانک اطلاعات بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی به دست آمد، مقاله‌هایی بود که در آن سخن از آیت‌اله شهید سید حسن مدرس بود. بر آن شدیم که سلسله نوشته‌های مدیر مجله تاریخی را - پیرامون زندگی و شخصیت مدرس - بیاوریم. طرفه آن که این سلسله نوشتار دو بار در مجله خواندنی‌ها به چاپ سپرده شده است:

۱- یک بار در سال ۱۳۲۷ که - پس از فضایی که در شهریور ۲۰ برای اهل قلم فراهم شد - هنوز محمد رضا نقاب از چهره نگرفته بود و امیرانی‌ها می‌توانستند خود را با مردم هم‌دل نشان دهند.

۲- پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران فروردین ۱۳۵۸.

طرفه آن‌که صاحب مجله خواندنی‌ها حداقل در یک جمله یادآور نشده است که: این سلسله مقالات، یک بار دیگر نیز در همین مجله به چاپ رسیده است. بگذریم، وضع مطبوعات نه در آن روز که امروز هم شیر تو شیرتر از این حرف‌هاست!